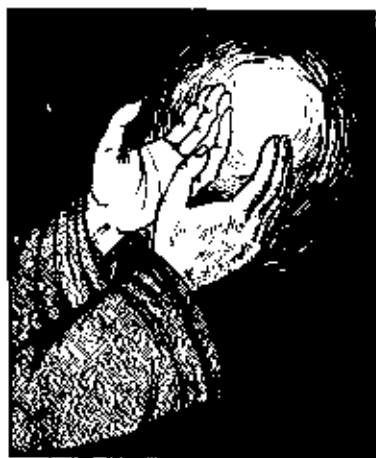


نقش نماز در تربیت انسان



نماز مهمترین اعمال است؛ آیات و احادیث بسیاری مصداق این مدعاست.

• دلایل قرآنی

۱- قرآن، نماز را به عنوان اولین و آخرین وصف ایمان می‌شمارد:

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (مؤمنون-۱)

تحقیقاً مؤمنان رستگار شدند، همانها که در نمازشان خشوع دارند.

همچنین پس از توصیف مؤمنان، باز به نماز برمی‌گردد و می‌فرماید: وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (مؤمنون-۹) و آنها که از نمازها مواظبت می‌نمایند.

۲- قرآن می‌فرماید وقتی عده‌ای از بهشتیان، از جهنمی‌ها سؤال می‌کنند که چرا شما اهل دوزخ شدید، آنها در جواب به عنوان اولین صفت می‌گویند چون ما از نمازگزاران نبودیم: فِي جَنَاتٍ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ الْمَجْرِمِينَ، مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ، قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ - آنها در باغهای بهشتند و سؤال می‌کنند از مجرمان، که چه چیز شما را به دوزخ فرستاده، آنها می‌گویند ما از نمازگزاران نبودیم. (مذکر- آیات ۴۰ تا ۴۴)

۳- اولین وظیفه عملی که متوجه حضرت موسی(ع) شد و حضرتش پس از

پیامبر شدن دستور به انجام آن را دریافت کرد، نماز بود.

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (طه-۱۵)

من، الله هستم، معبودی جز من نیست، مرا پرستش کن و نماز را برای یاد من به پا دار.

۴- اولین وظیفه‌ای که متوجه حضرت عیسی(ع) شد و به دیگران هم اول ابلاغ کرد، نماز بود، در این باره می‌فرماید:

... وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا (مریم-۳۱)

و مرا توصیه به نماز و زکات، مادامی که زنده‌ام کرده است.

همینا از دو آیه مذکور چنین مستفاد می‌شود که نماز مخصوص امت پیامبر اسلام(ص) نیست، بلکه دیگر امتها هم داشته‌اند.

• دلایل روایی

۱- علی(ع) در نامه‌ای به ابی بکر به هنگام واگذاری امور مصر به ایشان نوشتند: (وَأَعْلَمُ أَنَّ كَلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ بِصَلَاتِكَ)

بدان، بدرستی که همه اعمال تو، تابع نماز توست.

۲- امام صادق(ع) می‌فرماید: أَوْلَىٰ مَا

يُحَامِلُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ، فَإِنْ قِيلَتْ قَبْلَ سَائِرِ عَمَلِهِ وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ

نخستین چیزی که در قیامت از بندگان حساب می‌شود نماز است، اگر مقبول افتاد سایر اعمالشان قبول می‌شود و اگر مردود شد سایر اعمال نیز مردود می‌شود.

۳- علی(ع) در وصایای خود فرموده‌اند: اللَّهُ، اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ.

خدا، راه خدا را درباره نماز، چرا که ستون دین شماست.

می‌دانیم هنگامی که عمود خیمه درهم بشکند یا سقوط کند، هر قدر طنابها و میخهای اطراف محکم باشند، اثری ندارد. نماز، سرآغاز همه اعمال است و به تعبیر دیگر نماز، هادی اعمال دیگر است و خلاصه نماز آن توان را دارد که همه اعمال را در راستای خود صحیح کند و به دنبال خود بکشانند و همچنین اگر خراب شد، همه اعمال بالتبع فاسد خواهد شد. به عنوان یک اصل تربیتی مهم می‌توان گفت که اگر مرتبی، نماز مرتبی را درست کند و کار خود را در نماز دانش آموز متمرکز کند و به همین یک کار بپردازد یقیناً درست شدن نماز در مرتبی، مساوی خواهد بود با درست شدن همه اعمال در او، چه این که مهمل بودن نماز او مساوی

خواهد بود یا مهممل مانندن همه اعمال در وی، لذا می توانه گفت که مریس اگر بخواهد از کثرت به وحدت برسد باید به عنوان وحدت در کثرت نماز را انتخاب کند تا با درست شدن نماز، کثرت امور وابسته به فرد درست شود. البته شواهد و دلایلی نیز بر نتیجه فوقی (اصل تربیتی) وجود دارد:

۱- در حدیثی از رسول خدا (ص) آمده است که جوانی از انصاره نماز را با پیامبر ادا می کرده، اما با این حال آلوده گناهان زشت و آشکاری بود. این ماجرا را به پیامبر اطلاع دادند، پیامبر فرمود: **إِنَّ صَلَاتَهُ تَنَاهَاهُ يَوْمًا** - سرانجام نمازش، روزی او را از این اعمال پاک می کند.

۲- در حدیث دیگری آمده است که به پیامبر (ص) عرض کردند فلانی در روز نماز می خواند و در شب دزدی می کند، رسول خدا فرمودند:

إِنَّ صَلَاتَهُ كَتَرَتْ لَهُ - بدترستی که نمازش او را از این کاریاز خواهد داشت.

● وقت نماز

خدای سبحان می فرماید:

قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ، اَلَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (ماعون - ۴ و ۵)

وای بر نمازگزاران، آنهایی که نماز خود را به دست فراموشی می سپرند.

ایشها کسانی هستند که نسبت به فوت شدن نماز با قضیلت اول وقت بودن آن لایالی هستند. باید توجه داشت که فرمود در نمازشان سهومی کنند، چون سهو در نماز به هر حال برای هر کس واقع می شود، بلکه فرمود: از اصل نماز سهومی کنند، خلاصه آن که ارزشی برای نماز قائل نبوده و به اوقاتش اهمیت نمی دهند.

لذا امام صادق (ع) در تفسیر این آیه فرمود: منظور، تأخیر نماز از اول وقت و بدون عذراست.

همچنین علی (ع) فرمود: هیچ عملی نزد خدا محو تر از نماز نیست، پس زهار هیچ کاری از کارهای دنیا، شما را از نماز در اول وقتش باز ندارد برای این که خدای عزوجل اقوامی را به همین جرم ملامت نموده و فرموده: **الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ** یعنی کسانی که نسبت به امر نماز و اوقات آن سهل انگاری می کنند.

لذا این دسته غافلان با وجود خواندن نماز، شامل سرنوشت کسانی که اصلاً نماز نمی خوانند، می شوند که وقتی از آنها علت جهنم رفتنشان را سؤال می کنند، خودشان می گویند:

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (مدثر- ۴۵)

● نماز عامل از بین برنده سیئات

قرآن کریم در این باره می فرماید:

واقم الصلوة طرفى النهار وزلفاً من الليل، ان الحسنات يذهبن السيئات، ذلك ذكرى للذاكرين - و نماز را در دو طرف روز و اوایل شب برپا دار چرا که حسنات، سیئات را از بین می برد، این تذکری است برای آنها که اهل تذکرند. (هود- ۱۱۴)

این آیه ناظر به سه نماز صبح و مغرب و عشا می باشد و از نماز ظهر و عصر در آیات دیگر سخن به میان آمده است.

نکاتی که از این آیه گرفته می شود:

۱- از ذیل آیه فهمیده می شود که نماز عامل ذکر و یاد است.

۲- پس از دستوره اقامه نماز بلافاصله می فرماید:

حسنات از بین برنده سیئات است، معلوم می شود که نمازها حسنائی هستند که معاصی و سیئات را از بین می برند؛ یعنی نماز آن توان را دارد که سیئات انسان را محو کند.

● نماز با خشوع

خدای سبحان دستور به خشوع در نماز می دهد و می فرماید: نماز برای افراد غیر خاشع، مشکل و بسیار سنگین است. **واستعينوا بالصبر والصلوة وانها لكبيره الا على الخاشعين (بقره- ۴۵)**

از صبر و نماز یاری جوید و این کار جز برای خاشعان، گران است.

همچنین مؤمنان حقیقی را به صفت خشوع در نماز توصیف فرموده است:

قد افلح المؤمنون، الذين هم فى صلاتهم خاشعون (مؤمنون- ۲۰۱)

مؤمنان رستگار شدند، همانهایی که در نمازشان خشوع دارند.

خشوع به معنی حالت تواضع و ادب جسمی و روحی است که در برابر شخص بزرگ یا حقیقت مهمی در انسان پیدا و آثارش در بدن ظاهر می شود.

لذا وقتی پیامبر (ص) مردی را دید که در





حال نماز با ریش خود بازی می کند، فرمود:
 اما انه لو خشع قلبه لعشمت جوارحه - اگر او
 در قلبش خشوع بود، اعضای بدنش نیز
 خاشع می شد و اشاره به این است که خشوع
 یک حالت درونی است که در بیرون اثر
 می گذارد. در سبیره رسول خدا (ص)
 می خوانیم که پیامبر (ص) گاهی به هنگام
 نماز به آسمان نظر می کرد، اما هنگامی که
 آیه فوق نازل شد دیگر هنگام نماز سر بلند
 نکرده و دائم به زمین نگاه می کرد.
 و فرق میان خشوع و خضوع این است که
 خضوع مخصوص جوارح و اعضای بدن
 انسان ولی خشوع مخصوص جوارح و قلب
 آدمی است.
 خدای سبحان فرمود: راه به دست
 آوردن خشوع، توجه به معاد و روز قیامت
 است: واستعينوا بالصبر والصلوة وانها لكبيره
 الا على الخاشعين، الذين يفتنون انهم ملاقوا
 ربهم وانهم اليه راجعون (بقره- ۱۷۵ و ۱۷۶)

از صبر و نماز یاری جویند و این کار جز
 برای خاشعان سنگین است. (وخاشعان)
 کسانی هستند که ایمان دارند، خدای خود را
 ملاقات می کنند و به سوی او باز می گردند.

● اقامه نماز

چند نظریه درباره اقامه نماز وجود دارد
 که عبارتند از:

- ۱- عده ای می گویند منظور از اقامه
 نماز آن است که حق نماز ادا شود، یعنی
 نماز به صورت یک پیکری روح انجام
 نگردد، بلکه نمازی باشد که واقعاً بنده را
 متوجه خالق و آفریننده خویش سازد.
- ۲- عده ای می گویند منظور از اقامه
 نماز آن است که نماز در جامعه برپا داشته
 شود، یعنی جامعه، نماز گزار بشود و نماز
 در جامعه رونق گیرد.
- ۳- نظریه سوم آن است که می گویند:

گاهی قیام در مقابل قعود (نشستن)
 است، مانند:
 الذين يذكرون الله قياماً وقعوداً وعلى جنوبهم
 (آل عمران- ۱۹۱)
 «صاحبان عقل»، کسانی هستند که
 خدا را در حال ایستاده و نشسته و آنگاه که
 به پهلو خوابیده اند، یاد می کنند.
 و گاهی قیام در مقابل سجده است،
 مانند:
 والذين يسبون لربهم سجداً وقياماً
 (قرآن- ۶۴)
 بندگان خاص خدا کسانی هستند که
 شیالگاه برای پروردگارشان سجده و قیام
 می کنند. و گاهی قیام در مقابل سجود و
 قعود و مانند آن نیست، بلکه قیام، مقابل
 کجی و اعوجاج است، مانند:
 ... ليقوم الناس بالقسط... (حجید- ۳۵)
 (... تا مردم قیام به عدل کنند...)
 لذا قیام در اینجا به معنی مستقیم و

استقامت است، این قیام به معنای ایستادن نیست، بلکه به معنای ایستادگی است، مانند:

(قل انما اعطاكم بواحدة ان تقوموا لله مثنى وفرادى) «سجده-۱۶»

بگو، تنها شما را به یک چیز اندرز می‌دهم و آن این که دو نفر، دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید.

حال ممکن است سؤال شود که چرا قیام را به معنای ایستادگی و استقامت گرفتیم؟

مگر نه آن است که نماز است که می‌تواند جلو فحشا و منکرا را بگیرد؟

و مگر نه آن است که قویترین حالت انسان در میان تمام حالات (نشسته،

خوابیده، در حال رکوع و سجود) حالت ایستاده است یعنی انسان در حالت ایستاده،

آمادگی بیشتری برای دفع حمله دشمن دارد تا دیگر حالات و مگر نه آن است که اگر

دشمن به انسان خوابیده حمله کند، پیروز می‌شود؟

بنابراین نمازی می‌تواند جلو فحشا و منکر را بگیرد که ایستاده باشد، لذا به ما دستور

داده‌اند که نماز را ایستاده بخوانید، یعنی نماز را ایستادگی ببخشید و اگر نماز

ایستادگی و قدرت داشته باشد، قادر خواهد بود جلو دشمن (فحشا و منکر) را بگیرد، لذا

قرآن کریم قبل از آن که بگوید نماز جلو فحشا و منکرا می‌گیرد، فرمود:

اقم الصلوة ان الصلوة تنهى عن الفحشا والمنکر (تکویت-۱۵)

نماز را برپا دار، که نماز برپا داشته شده انسان را از زشتیها و منکرات بازمی‌دارد.

● سنجش نماز مقبول و غیر مقبول

حال اگر نماز، ایستادگی داشت چنان که در بالا آمد، خواهد توانست جلو فحشا و

منکرا را بگیرد، لذا همین خصیصه در بعضی از روایات اسلامی به عنوان معیار سنجش

نماز مقبول و غیر مقبول از آن یاد شده، چنان که امام صادق (ع) می‌فرماید:

من احب ان يعلم اقبلت صلوته ام لم تقبل. فلینظر: هل منعت صلوته عن الفحشا والمنکر، فبقدر ما منعه قبلت منه!

کسی که دوست دارد ببیند آیا نمازش مقبول درگاه الهی شده یا نه؟ باید ببیند آیا

این نماز او را از زشتیها و منکرات باز داشته یا نه، به همان مقدار که باز داشته، نمازش

قبول است.

چه اینکه در حدیث دیگری از پیامبر بزرگ اسلام (ص) می‌خوانیم که فرمود:

لا صلوة لمن لم یطع الصلوة، وطاعة الصلوة ان ینتهی عن الفحشا والمنکر- کسی که

اطاعت فرمان نماز نکند، نمازش، نماز نیست و اطاعت نماز آن است که نهی آن را از

فحشا و منکر بکار بندد.

در حدیث دیگری از رسول اکرم (ص) چنین آمده است:

من لم تنهه صلواته عن الفحشا والمنکر لم یزد من الله الا بعداً- کسی که نمازش او را از فحشا و منکر باز ندارد، هیچ بهره‌ای از نماز

جز دوری از خدا حاصل نکرده است.

قرآن کریم می‌فرماید:

ان الانسان خلق هلوغاً اذا منه الشر جزوعاً واذا منه الخیر منوعاً (معاراج- ۱۹ تا ۲۱)

انسان حرص و کم طاقت آفریده شده، هنگامی که بدی به او رسد، بی‌تابی می‌کند و هنگامی که خوبی به او رسد، مانع دیگران

می‌شود. آنگاه ادامه می‌دهد که:

الا المصلین، الذین هم عن صلواتهم دائمون (معاراج- ۲۲)

مگر نمازگزاران، همان نمازگزارانی که نمازهای خود را تداوم می‌بخشند، اینکه

یک بخش از قرآن کریم می‌فرماید:

لقد خلفنا الانسان فی احسن تقویم (تین- ۴)

ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریده‌ایم، این آیه ناظر بر اعتدال و میوزون بودن جسم و روح است.

اینکه در بخشی از قرآن، انسان مذموم است و در بخش دیگری ممدوح، بدان

جهت است که انسان یک طبیعتی دارد و یک فطرتی، طبیعت او به بدیها میل دارد و فطرت او به خوبیها تمایل، و کمال انسان بدان است که با این طبیعت مبارزه کرده و فطرت را حاکم خود کند و آن دسته از آیات که انسان را مذمت می‌کند ناظر بر طبیعت اوست و آن دسته از آیات که انسان را ستایش می‌کند ناظر بر فطرت وی خواهد بود.

کسانی می‌توانند از این طبیعت رها شوند که اهل نماز باشند، لذا پس از این

که گفت انسان حرصی و بخیل و منحوس است، بلافاصله ادامه داد مگر

نمازگزاران. پس نماز، آن توان را دارد انسان را از مغفای طبیعت به غلبای فطرت برساند.

حال ممکن است که سؤال شود مگر

ممکن است انسان همیشه در حال نماز باشد و بی وقفه نماز بخواند؟ جواب این سؤال به

چند صورت زیر قابل تعیین است:

۱- عده‌ای می‌گویند: منظور از این که دائم در نماز باشیم آن است که نافله و

نمازهای مستحب و انجام دهیم، چنانکه وقتی همین سؤال را از امام باقر (ع) کردیم، فرمودند: «این آیه اشاره به نافله است».

۲- جمعی می‌گویند منظور از مداومت بر نماز این نیست که انسان همیشه در حال

نماز باشد بلکه منظور آن است که این نماز او، تداوم داشته باشد هر چند کم باشد چرا

که هر کار خیری آنگاه در انسان اثر مثبت می‌گذارد که مستمر و همیشگی باشد و لذا

در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است که: ان احب الاعمال الی الله مادام وان قیل-

محبوبترین اعمال نزد خدا، چیزی است که مداومت داشته باشد هر چند کم باشد.

۳- نظر سوم در این باره آن است که می‌گوید: مگر نه آن که منظور از نماز یاد

خداست؟ و مگر نه آن است که انسان باید همیشه به یاد خدا باشد؟ بنابراین انسانی که

در هر حال به یاد خداست، گویا در نماز است. حال چه این یاد با نماز مصطلح انجام

شود یا با غیر آن، لذا انسانی که در نماز

است باید سعی کند که به یاد خدا باشد چه این که در غیر نماز هم انسان نباید تلاش نماید که به یاد خدا باشد و وقتی به یاد خدا بود، گویا در نماز است.

پس انسانی که به یاد خدا است در نماز خواهد بود.

لذا در حدیثی از امام باقر (ع) می خوانیم که فرمود:

لا يزال المؤمن في صلاة ما كان في ذكر الله قائماً كأن، أو جالساً، أو مضطجماً - مومن در صورتی در نماز است که به ذکر خدا مشغول باشد، چه ایستاده و چه نشسته و چه خوابیده.

و همین معنا را در حدیث دیگری از رسول خدا (ص) می خوانیم که فرمود:

لا تزل مصلياً ما ذكرت الله قائماً وقاعداً اوفى سوفك اوفى ناديك او حیثما كنت یعنی نمازت درست است وقتی که به یاد خدا هستی؛ چه در حال ایستاده و نشسته

باشی و چه در بازار و مجلس و بیا هر جای دیگر. والذین یصدقون بیوم الدین (مدارج - ۲۶) نمازگزاران دائمی کسانی هستند که به روز جزا ایمان دارند.

معلوم می شود تصدیق روز قیامت عامل همه خوبیهاست چه آن که تکذیب روز قیامت عامل همه بدیهاست.

در آیه دیگری نحوه یاد روز قیامت را بیان می دارد که: والذین هم من عذاب ربهم مشفقون. (مدارج - ۲۷) آنها از عذاب پروردگارشان بیمناک هستند و می ترسند. چرا که:

ان عذاب ربهم غیر مأمون (مدارج - ۲۸) هیچ کس را از عذاب پروردگار در امان نمی بینند. معلوم می شود عمده یاد قیامت، همان ترس از جهنم است.

● صفات ثبوتی نماز

قرآن می فرماید:

خبر است و نعمتهایی که از خدا به پیامبران و اولیای الهی رسیده، در حال نماز بوده است.

در زیر چند نمونه آورده می شود:

۱- قرآن کریم در مورد همسر زکریا که زنی عقیم و نازا بود و از طرفی شوهر او (زکریا) سالخورده و مسن بود و خلاصه از زمان بچه دار شدن آنها گذشته بود و از طرفی درخواست فرزندى صالح هم داشتند، می فرماید:

فنادته الملائكة وهواقثم بصلی فی المحراب ان الله یشرك بیحیی مصدقا بکلمة من الله وسیداً وحصوراً ونبیاً من الصالحین (آل عمران - ۳۹)

فرشتگان او را (زکریا) صدا زدند در حالی که در محراب ایستاده و مشغول نماز بود که خدا تو را به بحیی بشارت می دهد، کسی که کلمه خدا را تصدیق می کند (مسیح) و رهبر خواهد بود و از هوسهای سرکش برکنار است و پیامبر و از صالحان است.

۲- همان طور که میلاد مسیح (ع) هم در حالت اعتکاف و نیازگزارى مریم (س) بود در این باره فرمود: فانهخذت من دونهم حجاباً فارسلنا الیها روحنا فتمثل لها بشرأ سوياً، قالت انى اعوذ بالرحمن منك ان كنت نقیاً، قال انما انا رسول ربك لاهب لك غلاماً زکياً (مریم - ۱۷ تا ۱۹)

و حجابی میان خود و آنها افکند تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد) در این هنگام ما روح خود را به سوی او فرستادیم و او در شکل انسانی بی عیب و نقص بر مریم ظاهر شد، او (سخت ترسید و) گفت من به خدای رحمان از تو بنابه می برم، اگر پرهیزکار هستی، گفت من فرستاده پروردگار تو هستم (و آمده ام) تا عذرة پسر پاکیزه ای به تو بدهم.

۳- قرآن می فرماید: مقام اصابت حضرت علی (ع) را موقع نماز به او دادند: انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا یقیمون الصلوة ویتؤن الزکوة وهم را کعبون.

بدرستی که سرپرست و رهبر شما خدا و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند و نماز را

برپا می دارند و در حال زکوة، زکات می پردازند. (مائده - ۵۵).

بنابراین اگر بنا بر بالاترین درجه، ولایت است، قرآن می فرماید: همین مقام، در حال نماز سه علسی (ع) داده شد.

● نماز، طریق استعانت از خدا قرآن کریم فرمود: انسان ضعیف آفریده شده و از طرفی با سختی هم روبروست، لذا باید کمک بگیرد و از دیگران هم نمی تواند کمک بگیرد چون دیگران هم مانند او ضعیفند و فقط خداست که می تواند او و دیگران را کمک دهد و طریق کمک خدا هم به صورت نماز است.

والله المستعان - کمک دهنده خداست (یوسف - ۱۸)

در بخش دیگری می فرماید: ایاک نستعین - فقط از تو یاری و کمک می جویم (حمد - ۱)

و با در جای دیگری می فرماید: واستعینوا بالصبر والصلوة - از صبر و نماز کمک بگیرید (بقره - ۴۵)

نتیجه آن که اگر انسان ضعیف است و اگر انسان در سختی است، پس بایستی انسان در آموزش، حتماً کمک بگیرد و اگر همه قدرتها از آن خدای سبحان است، پس یاور دیگران است و منحصرراً او می تواند به دیگران کمک کند پس بایستی حتماً انسان از خدا کمک بگیرد و راه استعانت از او صبر و نماز است. بنابراین صبر و نماز، عامل کمک دهنده خدا به انسان است.

■ بی نوشتها:

- ۱- تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۲۹۲
- ۲- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۷۱ - میزان، ج ۳۱، ص ۲۴۸ و ایضاً در مجمع البیان، ج ۱۹، ص ۹۵
- ۳- مجمع البیان، ج ۱۹، ص ۶۵
- ۴- تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۲۸۷
- ۵- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۱۴